

به نام خدا

درس دوازدهم هدیه های آسمانی

پدر مهربان



آموزگار : اکرم خاکسار



پدر مهربان

هوا گرم و آفتابی بود. امام علی (علیه السلام) سبدی به دست گرفت و از خانه خارج شد. مقداری آرد، گوشت و خرما تهیه کرد و در سبد گذاشت. امام از چند کوچه گذشت و به خانه‌ای رسید. چند کودک به همراه مادرشان در آن خانه زندگی می‌کردند. پدر آنها در جنگ شهید شده بود. کودکان با دیدن مهمان خود خوش حال شدند و به طرف او دویدند. امام آرد و گوشت را به مادر داد تا برای بچه‌ها غذا پیزد. آن‌گاه به سوی کودکان رفت. آن‌ها را در آغوش گرفت و با دست خود خرمایی در دهانشان گذاشت. سپس با آن‌ها مشغول بازی شد. صدای خنده و شادی حیات خانه را پر کرده بود. بچه‌ها از بازی با امام خسته نمی‌شدند. او مانند یک پدر نسبت به آن‌ها مهربان بود و آن‌ها را خیلی دوست می‌داشت. بچه‌ها هیچ‌گاه خاطره‌ی آن روز را فراموش نکردند.

بدانیم

امام اوّل ما مسلمانان، در روز سیزده رجب به دنیا آمد.

او پسر عموی پیامبر خدا بود و از کودکی در خانه‌ی پیامبر بزرگ شد.

امام علی (علیه السّلام) اوّلین مردی بود که دین اسلام را پذیرفت. او بیشتر اوقات

همراه و هم‌نشین پیامبر بود و دستورات اسلام را به خوبی از او یاد گرفت.

پیامبر خدا حضرت علی را خیلی دوست می‌داشت و می‌فرمود: علی داناترین مردم

است.

امام علی با دختر پیامبر ازدواج کرد. خدا به آن‌ها فرزندان مهربان و شجاع هدیه داد.

سرانجام، امیر مؤمنان در مسجد هنگام نماز خواندن، به دست یکی از دشمنان دین

خدا به شهادت رسید.



مرد آسمانی

نیمه شبها توی کوچه
می برد مردی به دوشش
با محبت نان و حلوا
تا نمیرد توی کوفه
می برد او غصه ها را
با یتیمان هم غذا شد
با تبسم می دهد او
یا علی هستی همیشه

می رود آرام و تنها
کیسه ای از نان و خرما
می دهد مردی خدایی
کودکی از بی غذایی
می دهد او مهربانی
مرد پاک و آسمانی
دسته دسته نان گندم
توی دلها، پیش مردم

مهدی وحیدی صدر



فکر می کنم



امام علی (ع) با کودکان یتیم، بازی می کرد تا....

احساس کمبود پدر را نکنند، مثل یک پدر با آنها با دلسوزی رفتار می کرد.

دوست دارم



به آدم های نیازمند کمک کنم ، پس.....

مانند حضرت علی (ع) به آنها کمک می کنم و با آنها مهربان خواهم بود.



امین و مینا



امین و مینا می خواهند به کمک شما جاهای خالی را پر کنند.

